Quarterly Financial Accounting
E-ISSN: 2783-4417
Vol. 15, Issue 3, No. 59, Autumn 2023, p 93-110
Received: 26.02.2024 Accepted: 06.10.2024

Research Paper

Investigating the Effect of Financial Statement Comparability on Trade Credit considering the role of Distressed Firms and Small Firms

Mehrdad Daghighi Masouleh
Ph.D Student, Department of Accounting, Mobarakeh Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
mehrdad.daghighi@mau.ac.ir

Maryam Farhadi *
Assistant Professor, Department of Accounting, Mobarakeh Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
m.farhadi@mau.ac.ir

Masood Fooladi
Assistant Professor, Department of Accounting, Shahin Shahr Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
Fooladi@shaiau.ac.ir

Mahnam Molaei
Assistant Professor, Department of Accounting, Najaf Abad Branch, Islamic Azad University, Najaf Abad, Iran.
M.molaei@shu.iaun.ac.ir

Abstract
Financial statement comparability is one of the four enhancing qualitative characteristics of accounting information that enables users to identify and understand similarities in, and differences among, items. The purpose of this study is to investigate the effect of financial statement comparability on trade credit considering the role of distressed firms and small firms. To measure the financial statement comparability, this study uses the method of De Franco et al. (2011). The sample consists of 122 companies listed on the Tehran Stock Exchange for the period 2013 to 2020. Findings indicate that the increase in financial statement comparability increases trade credit. In addition, the increase in financial statement comparability increases trade credit for distressed firms but does not have a significant effect on the trade credit for small firms.

Keywords: Financial Statement Comparability, Trade Credit, Distressed Firms, Small Firms.

Introduction: One of the main purposes of financial reporting standards is to increase the comparability of reported financial information. Financial statement comparability is a qualitative characteristics of accounting information. Financial statement comparability is a unique attribute that is deemed to be desirable for enhancing the quality of financial accounting information for investment decisions. According to the Conceptual Framework, the concept of 'comparability' is described as the qualitative characteristic that enables users to identify and understand similarities in, and differences among items. Unlike the other qualitative characteristics, comparability does not relate to a single item. Trade credit is the single most important source of short-term external financing for most firms. Trade credit is recorded as accounts payable on a borrowing firm's balance sheet and as accounts receivable on a lending firm's balance sheet. This investigation examines the effect of financial statement comparability on trade credit with Emphasis on distressed firms and small firms. How financial statement comparability influences trade credit is a topic worthy of examination given the sheer magnitude of trade credit as a financing mechanism, and the fact that trade credit is generally an alternative to external financing, and the role of financial statement comparability in one of the most important financing decisions firms face is, however, heretofore unexplored.

* Corresponding author
Daghighi Masouleh, M., Farhadi, M., Fooladi, M., Molaei, M. (2023). Investigating the Effect of Financial Statement Comparability on Trade Credit considering the role of Distressed Firms and Small Firms. *Quarterly Financial Accounting*, 15(59): 93-110.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

Method and Data: The statistical population in this research consists of all the companies listed on the Tehran Stock Exchange in the period from 2013 to 2020 have been selected by systematic elimination method. For data analysis and hypothesis testing, multivariate regression model based on compound data with the GLS method is used.

Findings: The findings of the first hypothesis show that financial statement comparability has a significant and positive effect on trade credit. In addition, the findings of the second hypothesis show that financial statement comparability has a significant and positive effect on trade credit for distressed firms. The findings of the third hypothesis show that financial statement comparability does not have a significant effect on trade credit for small firms.

Conclusion and discussion: The findings of this study indicate that as firms' financial information becomes more comparable, creditors' trust increases and they have a better prediction of the firm's future activities, which in turn increases trade credit. In addition, comparability increases the ability of creditors to better evaluate financial distress, and the increase of this quality feature in distressed firms increases their trade credit.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

فصلنامه حسابداری مالی
سال پانزدهم، شماره ۵۹، پاییز ۱۴۰۲، ص ۱۱۰-۹۳
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۵

مقاله پژوهشی

بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر اعتباری تجاری با در نظر گرفتن نقش شرکت‌های درمانده مالی و شرکت‌های کوچک

مهرداد دقیقی ماسوله
دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد مبارکه، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
mehrdad.daghighi@mau.ac.ir

مریم فرهادی*
استادیار، گروه حسابداری، واحد مبارکه، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
m.farhadi@mau.ac.ir

مسعود فولادی
استادیار، گروه حسابداری، واحد شاهین‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
Fooladi@shaiau.ac.ir

مهنام ملایی
استادیار، گروه حسابداری، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.
M.molaei@shu.iaun.ac.ir

چکیده:
قابلیت مقایسه صورت‌های مالی یکی از چهار ویژگی کیفی افزاینده کیفیت اطلاعات حسابداری است که استفاده‌کنندگان را قادر می‌سازد تا شباهت‌ها و تفاوت‌های بین اقلام را شناسایی و درک کنند. هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر اعتباری تجاری با در نظر گرفتن نقش شرکت‌های درمانده مالی و شرکت‌های کوچک است. بدین منظور برای اندازه‌گیری قابلیت مقایسه از معیار دی‌فرانکو همکاران (۲۰۱۱) استفاده شده است. نمونه آماری شامل ۱۲۲ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۹ بوده است. نتایج حاکی از آن است که افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی باعث افزایش اعتبار تجاری شرکت می‌شود. علاوه بر این، افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی باعث افزایش اعتبار تجاری شرکت‌های درمانده مالی می‌شود، اما تأثیر معناداری بر اعتبار تجاری شرکت‌های کوچک ندارد.

واژه‌های کلیدی: قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، اعتبار تجاری، شرکت‌های درمانده، شرکت‌های کوچک.

* نویسنده مسئول

دقیقی ماسوله، مهرداد، فرهادی، مریم، فولادی، مسعود، ملایی، مهنام. (۱۴۰۲). بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر اعتبار تجاری با در نظر گرفتن نقش شرکت‌های درمانده مالی و شرکت‌های کوچک. *فصلنامه حسابداری مالی*، ۱۵(۵۹): ۱۱۰-۹۳.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

مقدمه

قابلیت مقایسه صورت‌های مالی[1]، یکی از ویژگی‌های کیفی کلیدی است که به استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری اجازه می‌دهد تا عملکرد مالی شرکت‌ها را در مقایسه با سایر شرکت‌ها و در طول زمان ارزیابی کنند و شباهت‌ها و تفاوت‌های عملکرد مالی آنها را شناسایی نمایند. این ویژگی به این معنی نیست که در تهیه صورت‌های مالی باید از روش‌های حسابداری یکسان و مشابهی استفاده کرد، بلکه باید به شکلی تهیه شوند که آنها را با یکدیگر بتوان مقایسه نمود. مقایسه‌پذیری سبب تسهیل دسترسی سرمایه‌گذاران به اطلاعات شرکت‌های همتا می‌شود و شناسایی اطلاعات صورت‌های مالی در این‌گونه شرکت‌ها را برای سرمایه‌گذاران ساده می‌کند. سرمایه‌گذاران با دسترسی به اطلاعات مربوط به شرکت‌های مشابه و توانایی شناسایی آنها علاوه بر درک بهتر از عملکرد شرکت، می‌توانند اطلاعات مرتبط با ارزش را بر اساس عملکرد شرکت‌های مشابه به دست بیاورند (کیم، لی، لو یو[2]، ۲۰۲۱).

از سوی دیگر، اعتبار تجاری[3] نیز در فعالیت‌های تجاری شرکت‌ها نقش اساسی دارد. اعتبار تجاری نشان‌دهندهٔ میزان اعتماد تأمین‌کنندگان و اعتباردهندگان به شرکت است و یک ابزار تأمین مالی کوتاه‌مدت محسوب می‌شود. شرکت‌هایی که اعتبار تجاری خوبی دارند، بدون پرداخت نقدی، قادرند کالاها و خدمات مورد نیاز خود را از تأمین‌کنندگان دریافت کنند. در عوض، برای آنها حساب بدهی ایجاد می‌شود و مبلغ را در زمان‌های آینده پرداخت می‌کنند (پترسن و راجان[4]، ۱۹۹۷). افزایش در کیفیت اطلاعات حسابداری همچون قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، سبب کاهش هزینه سرمایه و عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود و در نهایت منجر به تأثیر بر یکی از مهم‌ترین تصمیم‌های مربوط به تأمین مالی می‌شود. بر همین اساس، آگاهی از اعتبار تجاری و عوامل مؤثر بر آن، نقش بااهمیتی در تصمیم‌های شرکت دارد.

این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر اعتبار تجاری با توجه به نقش تعدیل‌کنندگی شرکت‌های درمانده مالی و شرکت‌های کوچک است. در پژوهش حاضر مقایسه‌پذیری به‌عنوان یک عامل مهم برای اعتبار تجاری موردتوجه قرار می‌گیرد. با وجود این اهمیت، نقش مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی در یکی از مهم‌ترین تصمیم‌های مالی شرکت‌ها تاکنون در پژوهش‌های حسابداری نادیده گرفته شده است و هیچ پژوهشی تأثیر قابلیت مقایسه به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده در تصمیم‌گیری‌های مربوط به اعتبار تجاری را بررسی نکرده است. بخشی از این خلأ پژوهشی از طریق یافته‌های این پژوهش برطرف می‌شود.

مبانی نظری پژوهش

در دنیای پیچیده و پویای تجارت، شرکت‌ها برای بقا و رشد خود به‌طور مداوم به دنبال راه‌هایی برای تأمین مالی فعالیت‌های خود هستند. در این میان، اعتبار تجاری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تصمیم‌های تأمین مالی، نقشی کلیدی در موفقیت و پویایی شرکت‌ها ایفا می‌کند. اعتبار تجاری در ترازنامه شرکت وام‌گیرنده به‌عنوان حساب‌های پرداختنی ثبت می‌شود و این نشان‌دهندهٔ بدهی شرکت به وام‌دهنده است که باید در تاریخ مقرر تسویه شود. همچنین، در ترازنامه شرکت وام‌دهنده به‌عنوان حساب‌های دریافتنی ثبت می‌شود که نشان‌دهندهٔ طلب وام‌دهنده است و باید در زمان مقرر وصول شود (پترسن و راجان، ۱۹۹۷). این نوع تأمین مالی به شرکت‌ها اجازه می‌دهد تا بدون نیاز به پرداخت نقدی، کالاها و خدمات مورد نیاز خود را از تأمین‌کنندگان تهیه کنند و در زمان‌های مناسب‌تر نسبت به تسویه آن اقدام کنند. اعتبار تجاری در شرکت نشان‌دهندهٔ میزان اعتماد تأمین‌کنندگان به شرکت است و یک ابزار تأمین مالی کوتاه‌مدت محسوب می‌شود (الطایی، هاشمی و فروغی، ۱۴۰۱). شرکت‌ها برای استمرار فعالیت‌های خود نیازمند اعتماد ذی‌نفعان کلیدی مانند تأمین‌کنندگان هستند. در این میان، ارائه اطلاعات شفاف و قابل‌اتکا در مورد وضعیت مالی و عملکرد شرکت از طریق صورت‌های مالی، نقش مهمی در جلب این اعتماد ایفا می‌کند؛ درنتیجه، شرکت‌ها در جستجوی راه‌هایی برای افزایش اعتماد تأمین‌کنندگان هستند. یکی از این راه‌ها افزایش قابلیت مقایسه

[1] Financial Statement Comparability
[2] Kim, Li, Lu & Yu
[3] Trade Credit
[4] Petersen & Rajan

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

صورت‌های مالی است. شرکت‌هایی که صورت‌های مالی قابل‌مقایسه‌ای دارند، از مزایای متعددی از جمله هزینه سرمایه کمتر و دسترسی آسان‌تر به تأمین مالی در بازارهای اعتباری برخوردار هستند (ایمهوف، سیوی و اسمیت[۱]، ۲۰۱۷؛ فانگ، لی، ژین و ژانگ[۲]، ۲۰۱۶)؛ به عبارت دیگر، شرکت‌هایی که صورت‌های مالی قابل‌مقایسه‌ای دارند، به دلیل اینکه اطلاعات مالی خود را به‌طور شفاف و با جزئیات ارائه می‌کنند، برای تأمین‌کنندگان ریسک کمتری دارند و قابل‌اعتمادتر هستند و به‌تبع آن، هزینه سرمایه این شرکت‌ها نیز پایین‌تر خواهد بود. صورت‌های مالی با کیفیت بالا به تأمین‌کنندگان اطمینان می‌دهند که اطلاعات ارائه‌شده قابل‌اعتماد است و می‌توان به شرکت‌های دارای این اطلاعات، اعتماد کرد. این صورت‌های مالی به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای سیگنال‌دهی به ذی‌نفعان مختلف از جمله تأمین‌کنندگان عمل می‌کنند و می‌توانند به‌عنوان سیگنال‌هایی برای ارزیابی بهتر وضعیت مالی و چشم‌انداز آینده یک شرکت مورد استفاده قرار گیرند؛ درنتیجه، تأمین‌کنندگان با تکیه بر این اطلاعات، تصمیم‌های آگاهانه‌تری در مورد شرکت اتخاذ می‌کنند.

وقتی اطلاعات شرکت‌ها به‌طور قابل‌مقایسه‌ای ارائه می‌شوند، نظارت بر آنها آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر می‌شود و مؤسسات تأمین مالی نیز زمان کمتری را برای ارزیابی این شرکت‌ها صرف می‌کنند و درنتیجه، اعتبار تجاری بیشتری دریافت می‌کنند. دلیل این امر آن است که قابلیت مقایسه بیشتر، عدم اطمینان در مورد عملکرد شرکت‌ها را کاهش می‌دهد و انتقال اطلاعات بین شرکت‌های دارای اطلاعات مقایسه‌پذیر آسان‌تر می‌شود. این موضوع بیان‌کنندهٔ نقش نظارتی قابلیت مقایسه است (دی فرانکو، کوتاری وردی[۳]، ۲۰۱۱). در شرکت‌هایی که گزارش‌های مالی آنها مقایسه‌پذیرتر است، نظارت بر مدیران قوی‌تر است و مدیران منظم‌تر و منضبط‌تر عمل می‌کنند. این نقش نظارتی مانع از پنهان‌کاری اطلاعات توسط مدیران و سوءاستفاده آنها از اطلاعات محرمانه می‌شود و در نهایت منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و تأمین‌کنندگان می‌شود. با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، اعتبار تجاری بیشتری توسط تأمین‌کنندگان به شرکت‌ها تعلق خواهد گرفت. این امر نشان‌دهندهٔ وجود رابطهٔ مستقیم بین افزایش مقایسه‌پذیری در شرکت‌ها و ارتقای سطح اعتبار تجاری آنها است. از آنجایی که افزایش قابلیت مقایسه منجر به افزایش کمّیت و کیفیت صورت‌های مالی می‌شود، شرکت‌های دارای صورت‌های مالی مقایسه‌پذیر محدودیت کمتری در دریافت اعتبار تجاری دارند (کیم، کرافت و رایان[۴]، ۲۰۱۳)؛ به عبارت دیگر، این شرایط سبب کاهش محدودیت‌های تأمین مالی خارجی برای شرکت‌ها خواهد شد (اسلام[۵]، ۲۰۱۸). شواهد نشان می‌دهد که بین کیفیت اطلاعات مالی و اعتبار تجاری ارتباط مستقیمی وجود دارد (بهاراث، ساندر و ساندر[۶]، ۲۰۰۸). شرکت‌هایی که صورت‌های مالی با کیفیت بالا ارائه می‌کنند، اعتبار بیشتری از سوی اعتباردهندگان به آنها تعلق می‌گیرد. در مقابل، ارائه اطلاعات حسابداری با کیفیت پایین می‌تواند منجر به کاهش اعتبار تجاری و افزایش هزینه سرمایه شود. پژوهش‌های متعددی (سولا، ترول و سولانو[۷]، ۲۰۱۴؛ بهاراث و همکاران، ۲۰۰۸؛ بارت، لندزمن و لانگ[۸]، ۲۰۰۸)، نشان داده‌اند که ارتقای کیفیت اطلاعات حسابداری، علاوه بر فواید متعددی از جمله کاهش هزینه سرمایه و عدم تقارن اطلاعاتی، افزایش اعتبار تجاری را نیز به همراه دارد. با توجه به موارد فوق و از آنجایی که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، عدم اطمینان ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد، می‌توان استدلال کرد که بین دو مفهوم قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و اعتبار تجاری، رابطهٔ مثبتی وجود دارد؛ به عبارت دیگر، افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی باعث افزایش اعتبار تجاری می‌شود.

بر اساس مطالعات پیشین دو گروه از شرکت‌ها که به اعتبار تجاری وابستگی دارند، شرکت‌های درمانده مالی و شرکت‌های کوچک هستند. اینکه پیش‌بینی کلی درباره رابطهٔ بین قابلیت مقایسه و اعتبار تجاری برای این دو گروه نیز صادق است یا خیر، قابل بررسی است (اسلام، ۲۰۱۸).

[1] Imhof, Seavey & Smith
[2] Fang, Li, Xin & Zhang
[3] De Franco, Kothari & Verdi
[4] Kim, Kraft & Ryan
[5] Islam
[6] Bharath, Sunder & Sunder
[7] Sola, Teruel & Solano
[8] Barth, Landsman & Lang

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

یکی از موارد بااهمیت در بازارهای سرمایه درماندگی مالی[1] است. احتمال دارد شرکت‌ها دچار افت و خیزهایی در فعالیت‌های خود شوند که منتج به درماندگی مالی شود. در این حالت شرکت‌ها نمی‌توانند منابع مالی لازم را برای تداوم فعالیت‌های خود تأمین کنند. شرکت‌هایی که دچار درماندگی مالی هستند، از آنجایی که احتمال ورشکستگی‌شان نیز وجود دارد، توانایی آنها برای تأمین مالی خارجی به‌شدت محدود می‌شود (مولینا و پریو[2]، ۲۰۱۲) و درماندگی مالی دستیابی آنها به اعتبار از طریق مؤسسات تأمین مالی را مختل می‌کند (اپلر و تیمان[3]، ۱۹۹۴)؛ در نتیجه، شرکت‌های درمانده احتمالاً از اعتبار تجاری به‌عنوان منبع جایگزین تأمین مالی استفاده می‌کنند. اگر شرکت‌ها در تأمین مالی خارجی با محدودیت روبه‌رو شوند به اعتبار تجاری روی می‌آورند (پترسن و راجان، ۱۹۹۴). شرکت‌هایی که مشکل نقدینگی دارند، با استفاده از اعتبار تجاری می‌توانند از توقف در فعالیت‌های خود جلوگیری کنند (فراندو مولیر[4]، ۲۰۱۳). در دنیای تجارت، کمبود نقدینگی می‌تواند مانند یک کابوس باشد. این مشکل می‌تواند گریبان گیر هر شرکتی شود و به‌سرعت به توقف فعالیت و حتی ورشکستگی منجر شود؛ اما راه‌هایی برای غلبه بر این چالش وجود دارد. یکی از این راه‌ها، استفاده از اعتبار تجاری است. اعتبار تجاری به‌مثابه ناجی، به شرکت‌ها اجازه می‌دهد تا بدون پرداخت نقدی در لحظه، کالاها و خدمات مورد نیاز خود را از تأمین‌کنندگان تهیه کنند. این امر گویی نفس تازه‌ای به کالبد شرکت‌ها می‌دمد و به آنها فرصتی دوباره برای ادامه حیات و یافتن راه‌حل‌های بلندمدت می‌دهد تا به فعالیت خود ادامه دهند و از تعطیلی یا ورشکستگی جلوگیری کنند. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد تأمین‌کنندگان به‌منظور حفظ روابط بلندمدت، امتیازات بیشتری به مشتریانی که در شرایط درماندگی مالی قرار دارند، اعطا می‌کنند (ایوانز[5] ۱۹۹۸). اعطای امتیازات به مشتریان در شرایط درماندگی مالی، می‌تواند به حفظ این روابط کمک کند، حتی زمانی که مشتری با چالش‌های مالی روبه‌رو است. این امر نشان‌دهندهٔ تعهد تأمین‌کننده به مشتری و تمایل به همکاری با او در شرایط سخت است. بسیاری از شرکت‌ها که دچار درماندگی مالی می‌شوند، می‌توانند با گذر زمان و با کمک و حمایت مناسب، به وضعیت عادی بازگردند؛ بنابراین، به شرکت‌های دچار درماندگی مالی اعتبار تجاری بیشتری ارائه می‌شود. اعتبار تجاری در شرایط درماندگی مالی، نقشی حیاتی برای بقای شرکت‌ها ایفا می‌کند. با اتکا به اعتبار تجاری، شرکت‌ها می‌توانند منابع مالی مورد نیاز خود را برای ادامه فعالیت و تلاش برای بهبود وضعیت مالی خود تأمین کنند. حفظ و ارتقای اعتبار تجاری، به‌ویژه در شرایط دشوار، از اهمیت بالایی برای شرکت‌ها برخوردار است. اعتبار تجاری، حکم طناب نجاتی را دارد که می‌تواند شرکت‌های در حال غرق شدن را از امواج تلاطم نجات دهد. با استفاده از این ابزار و اتخاذ تدابیر لازم، می‌توان از آن به‌عنوان سکوی پرتابی برای عبور از بحران و رسیدن به ساحل آرامش و ثبات مالی استفاده کرد.

قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، ابزاری ارزشمند برای ارزیابی سلامت مالی شرکت‌ها است. این ویژگی به اعتباردهندگان کمک می‌کند تا به‌طور دقیق‌تر میزان درماندگی مالی و احتمال ورشکستگی یک شرکت را ارزیابی کنند (فانگ و همکاران، ۲۰۱۶). با این حال، همان‌طور که اشاره شد، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی نقشی فراتر از صرفاً یک ابزار ارزیابی دارد. این ویژگی می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر توانایی شرکت‌ها برای تأمین مالی، به‌خصوص برای شرکت‌هایی که صورت‌های مالی شفاف‌تر و قابل‌مقایسه‌تری دارند، داشته باشد؛ زیرا شرکت‌هایی که صورت‌های مالی قابل مقایسه دارند، از اعتماد بیشتری نزد اعتباردهندگان برخوردار هستند. بر این اساس، استدلال می‌شود که شرکت‌های مقایسه‌پذیر، حتی در شرایطی که دچار درماندگی مالی هستند، نسبت به سایر شرکت‌های درمانده مالی که قابلیت مقایسه کمتری دارند، اعتبار تجاری بیشتری به آنها اعطاء می‌شود؛ به عبارت دیگر، افزایش قابلیت مقایسه در شرکت‌های درمانده مالی، موجب افزایش اعتبار تجاری می‌شود.

اندازه شرکت[6] نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین مالی شرکت‌ها ایفا می‌کند. به‌طورکلی، شرکت‌های بزرگ‌تر در مقایسه با شرکت‌های کوچک‌تر، از مزایای متعددی در زمینه تأمین مالی برخوردار هستند. شرکت‌های بزرگ‌تر به طیف وسیع‌تری از منابع تأمین مالی مانند بازارهای اوراق بهادار وام‌های بانکی دسترسی دارند و به دلیل نام تجاری شناخته‌شده و سابقه بهتر،

[1] Financial Distress
[2] Molina & Preve
[3] Opler & Titman
[4] Ferrando & Mulier
[5] Evans
[6] Firm Size

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

می‌توانند سرمایه‌گذاران را به‌راحتی جذب کنند. با این حال، شرکت‌های کوچک‌تر به دلیل اندازه و ماهیت خود، در مقایسه با شرکت‌های بزرگ، با چالش‌های منحصربه‌فردی در دسترسی به منابع مالی روبه‌رو هستند. این شرکت‌ها به دلیل عدم انعقاد قرارداد مشهود با نیروی کار، تأمین‌کنندگان و مشتریان خود دچار ابهام اطلاعاتی هستند. در اکثر مواقع، شرکت‌های کوچک در بازارهای سرمایه اقدام به انتشار اوراق بهادار نمی‌کنند و این بدان معناست که تعداد کمی تحلیل‌گر ممکن است این شرکت‌ها را بررسی کنند. با توجه به وجود ابهام اطلاعاتی در شرکت‌های کوچک، کمتر احتمال دارد مؤسسات مالی برای تأمین مالی این شرکت‌ها اقدام کنند (فرانکل و لی[1]، ۲۰۰۴)؛ از این رو، شرکت‌های کوچک نسبت به شرکت‌های بزرگ تمایل بیشتری به دریافت اعتبار تجاری دارند؛ زیرا در کسب اعتبار از مؤسسات مالی و بانک‌ها موانع بیشتری دارند (دانیلسون و اسکات[2]، ۲۰۰۴). با وجود این چالش‌ها، شرکت‌های کوچک می‌توانند با اتخاذ استراتژی‌های مناسب بر این موانع غلبه کنند و به منابع مورد نیاز خود دست پیدا کنند و از اعتبار تجاری به‌عنوان ابزاری جایگزین و کارآمد برای تأمین مالی استفاده کنند. همانند شرکت‌های درمانده، شرکت‌های کوچک نیز با داشتن صورت‌های مالی مقایسه‌پذیرتر می‌توانند اعتماد بیشتری از اعتباردهندگان کسب کنند. قابلیت مقایسه صورت‌های مالی نقشی حیاتی در افزایش اعتبار تجاری برای شرکت‌های کوچک ایفا می‌کند که به آنها کمک می‌کند تا بر چالش‌های تأمین مالی غلبه کنند و به منابع مورد نیاز برای رشد و موفقیت دست پیدا کنند. صورت‌های مالی قابل مقایسه، اطلاعات شفاف و قابل‌اتکایی را به اعتباردهندگان و تأمین‌کنندگان ارائه می‌دهند. این امر، سبب کاهش ابهام اطلاعاتی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های تأمین مالی شرکت‌های کوچک می‌شود. همچنین، ارائه اطلاعات مالی شفاف و قابل مقایسه اعتماد تأمین‌کنندگان را به شرکت‌های کوچک افزایش می‌دهد و سبب تسهیل در اعطای اعتبار به این شرکت‌ها می‌شود. با توجه به این نکته که ویژگی قابلیت مقایسه در تأمین مالی شرکت‌های دارای صورت‌های مالی مقایسه‌پذیر، نقش مهمی ایفا می‌کند و مطابق با انتظارات از درماندگی مالی، استدلال می‌شود شرکت‌های کوچکی که صورت‌های مالی مقایسه‌پذیرتری دارند، نسبت به شرکت‌های کوچک با مقایسه‌پذیری کمتر، اعتبار تجاری بیشتری به آنها اعطاء می‌گردد؛ به عبارت دیگر، افزایش قابلیت مقایسه در شرکت‌های کوچک موجب افزایش اعتبار تجاری می‌شود.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های خارجی

اسلام (۲۰۱۸) در پژوهش مستخرج از رساله خود رابطهٔ بین قابلیت مقایسه و اعتبار تجاری را در شرکت‌های آمریکایی طی سال‌های ۱۹۸۷ تا ۲۰۱۵ بررسی نمود. نتایج نشان دادند بین قابلیت مقایسه و اعتبار تجاری رابطهٔ منفی وجود دارد. همچنین یک رابطهٔ منفی نیز بین قابلیت مقایسه و اعتبار تجاری برای شرکت‌های درمانده مالی و شرکت‌های کوچک وجود دارد.

کمپبل و یونگ[3] (۲۰۱۷) پژوهشی با عنوان «قابلیت مقایسه سود، شباهت‌های حسابداری و بازده سهام» از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۶ در شرکت‌های آمریکایی انجام دادند. نتایج نشان دادند قابلیت مقایسه سود، شامل انتخاب‌ها و برآوردهای حسابداری شرکت‌ها، تعدیلات مشابهی دارند. آنها دریافتند سرمایه‌گذاران واکنش کمتری به مفاهیم قابلیت مقایسه سود نشان می‌دهند.

حبیب، حسن و الهادی[4] (۲۰۱۷) تأثیر قابلیت مقایسه بر دارایی‌های نقدی را در یک نمونه بزرگ از شرکت‌های آمریکایی از سال ۱۹۸۱ تا ۲۰۱۳ بررسی کردند. نتایج نشان دادند افزایش قابلیت مقایسه باعث کاهش هزینه‌های کسب اطلاعات و کاهش ارزش وجه نقد شرکت می‌شود که بر محدودیت‌های تأمین مالی، کیفیت گزارشگری مالی و حاکمیت شرکت‌ها مؤثر است.

چوی، چوی، میرز و زیبارت[5] (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین قابلیت مقایسه و توانایی بازده سهام برای انعکاس سودهای آتی در شرکت‌های آمریکایی از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۸ پرداختند. نتایج نشان دادند در شرکت‌های مقایسه‌پذیرتر، ضریب

[1] Frankel & Li
[2] Danielson & Scott
[3] Campbell & Yeung
[4] Habib, Hasan & Al-Hadi
[5] Choi, Choi, Myers & Ziebart

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

واکنش سود بیشتر است و مقایسه‌پذیری سرمایه‌گذاران را قادر می‌سازد تا اطلاعات مالی را با هزینه کمتری تفسیر و عملکرد آتی شرکت را بهتر پیش‌بینی کنند.

دی‌فرانکو همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «مزایای قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در کشور آمریکا» مبنایی برای سنجش قابلیت مقایسه ارائه کردند. آنها دریافتند بین قابلیت مقایسه و دقت پیش‌بینی تحلیل‌گران رابطهٔ مثبت و بین قابلیت مقایسه و پراکندگی پیش‌بینی‌های تحلیل‌گران رابطه منفی وجود دارد. همچنین، قابلیت مقایسه موجب کاهش هزینه تحصیل و پردازش اطلاعات و افزایش کمّیت و کیفیت کلی اطلاعات موجود برای تحلیل‌گران درباره شرکت می‌شود.

پژوهش‌های داخلی

الطایی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی تأثیر اعتبار تجاری بر چسبندگی هزینه‌ها با در نظر گرفتن نقش قدرت بازار محصول و تمرکز مشتری را برای ۱۰۲ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ بررسی کردند. نتایج نشان دادند اعتبار تجاری منجر به کاهش چسبندگی هزینه‌ها می‌شود. همچنین، ضعیف بودن قدرت بازار محصول، تأثیر اعتبار تجاری بر چسبندگی هزینه‌ها را افزایش می‌دهد، اما تمرکز مشتری بر این رابطه تأثیر معنی‌داری ندارد.

مران‌جوری، عنایت‌پور شیاده و درخشان (۱۴۰۱) در پژوهشی تأثیر عملکرد مالی بر استفاده شرکت‌های کوچک و متوسط از اعتبار تجاری را برای ۶۲ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ مورد بررسی قرار دادند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آماری مبتنی بر رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان دادند که بازده حقوق صاحبان سهام و بازده دارایی‌ها تأثیر منفی و معناداری بر اعتبار تجاری دارند و بازده فروش، تأثیر معناداری بر اعتبار تجاری ندارد.

ملکیان، فخاری و نوروزپور (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر درماندگی مالی و محدودیت مالی بر اعتبار تجاری برای ۱۵۰ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ با استفاده از مدل رگرسیونی با روش پانل دیتا پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان دادند که درماندگی مالی و محدودیت مالی بر اعتبار تجاری تأثیر معناداری دارند.

افلاطونی و نعمتی (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی نقش کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت افشاء در افزایش اعتبار تجاری با استفاده از رویکرد متغیرهای ابزاری پرداختند. این پژوهش برای ۱۴۶ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۵ انجام شد. برای آزمون فرضیه‌ها، از رگرسیون با متغیرهای ابزاری و برآوردگر حداقل مربعات دومرحله‌ای استفاده شد و نتایج آن با یافته‌های رویکرد حداقل مربعات معمولی مقایسه گردید. نتایج رویکرد متغیرهای ابزاری نشان دادند که با افزایش کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت افشاء، اعتبار تجاری افزایش می یابد. با این حال، نتایج رویکرد حداقل مربعات معمولی تنها تأثیر مثبت و معنادار کیفیت افشاء بر اعتبار تجاری را نشان دادند.

زلقی، افلاطونی و خزائی (۱۳۹۶) در پژوهشی عوامل مؤثر بر قابلیت مقایسه در ۱۲۰ شرکت طی دورهٔ ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ با استفاده از سه معیار سود – بازده، اقلام تعهدی – جریان‌های نقدی عملیاتی و سود – هزینه سهام را بررسی کردند. نتایج نشان دادند بر اساس معیار اول، اندازه مؤسسه حسابرسی، دوره تصدی حسابرس و نوسانات بازده دارایی‌ها، بر اساس معیار دوم، مدیریت سود و اندازه شرکت و بر اساس معیار سوم نیز اندازه مؤسسه حسابرسی، دوره تصدی حسابرس، مدیریت سود و نوسانات بازده دارایی‌ها تأثیر معناداری بر قابلیت مقایسه دارند.

ایزدی‌نیا و طاهری (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی رابطهٔ بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری در ۱۲۷ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ پرداختند. برای آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون حداقل مربعات معمولی استفاده شد. نتایج نشان دادند که بین هموار بودن سود و محافظه‌کاری با اعتبار تجاری رابطهٔ معناداری وجود ندارد، اما بین مدیریت سود و اعتبار تجاری رابطهٔ منفی و معنادار وجود دارد.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری، فرضیه‌های زیر برای این پژوهش تدوین شده‌اند:

فرضیه اول: افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی باعث افزایش اعتبار تجاری می‌شود.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

فرضیه دوم: افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی باعث افزایش اعتبار تجاری شرکت‌های درمانده مالی می‌شود.
فرضیه سوم: افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی باعث افزایش اعتبار تجاری شرکت‌های کوچک می‌شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی است و از نظر ماهیت، توصیفی - همبستگی، از نظر رویکرد، پس‌رویدادی و بر اساس ماهیت داده‌ها نیز از نوع کمّی است. برای گردآوری اطلاعات دربارهٔ مبانی نظری و ادبیات پژوهش از روش کتابخانه‌ای و برای گردآوری داده‌های پژوهش نیز از گزارش‌های مالی موجود در وب‌گاه[1] سازمان بورس اوراق بهادار تهران و همچنین بانک اطلاعاتی ره‌آورد نوین استفاده شد. برای محاسبات مربوط به متغیرها و تجزیه و تحلیل نهایی نیز از نرم‌افزارهای اکسل[2] و استتا[3] نسخه ۱۷ استفاده شده است.

جامعه آماری و نمونه پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بازار اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۹ است. با استفاده از روش نمونه‌گیری حذفی منظم و با اعمال شرایط زیر شرکت‌های فاقد این شرایط، از نمونه آماری کنار گذاشته شده‌اند:

۱. چون برای محاسبه معیار قابلیت مقایسه به داده‌های ۸ نیمسال (سال جاری و ۳ سال قبل) نیاز است، از داده‌های سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۹ استفاده شده است؛ بنابراین، شرکت باید قبل از سال ۱۳۸۹ در بازار اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد و نام آن تا پایان سال ۱۳۹۹ از فهرست شرکت‌های یاد شده حذف نشده باشد.
۲. شرکت‌ها در طول قلمرو زمانی پژوهش، تغییر سال مالی نداشته باشند.
۳. به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند ماه باشد و دارای صورت‌های مالی شش‌ماهه نیز باشند.
٤. جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، بانک‌ها، بیمه‌ها و لیزینگ نباشند.
٥. وقفه انجام معاملات در این شرکت‌ها طی دوره زمانی مذکور بیشتر از شش ماه نباشد.
٦. دستیابی به اطلاعات مورد نیاز شرکت‌ها در طول قلمرو زمانی پژوهش، مقدور باشد.

از آنجا که متغیر قابلیت مقایسه در بین شرکت‌های هر صنعت و جدا از سایر صنایع محاسبه می‌شود، پس از اعمال شرایط فوق، تنها صنایعی در نظر گرفته شدند که حداقل پنج شرکت در آنها فعال باشند. در نهایت با توجه به اعمال محدودیت‌ها، ۱۲۲ شرکت (۹۷۶ مشاهده) در یازده صنعت به‌عنوان نمونه انتخاب شدند.

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

متغیر وابسته در این پژوهش اعتبار تجاری است که به پیروی از پژوهش کرمی و مرادی (۱۳۹۸)، از طریق تقسیم جمع حساب‌ها و اسناد پرداختنی تجاری بر کل دارایی‌های شرکت i در پایان سال t محاسبه می‌شود. لازم به ذکر است که هر چه این نسبت بیشتر باشد، اعتبار تجاری بالاتر است. (پترسن و راجان، ۱۹۹۷).

رابطه (۱)

$$TC=\frac{\text{حساب‌های پرداختنی تجاری + اسناد پرداختنی تجاری}}{\text{کل دارایی‌ها}}$$

[1] Website
[2] Excel
[3] Stata

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

متغیر مستقل

متغیر مستقل این پژوهش، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی است. استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی برای شناسایی روند تغییرات در وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی یک واحد تجاری، باید قادر به مقایسه صورت‌های مالی واحد تجاری در طول زمان باشند. همچنین، برای ارزیابی وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی آنها باید بتوانند صورت‌های مالی واحدهای تجاری مختلف را مقایسه کنند. برای دستیابی به این امر، ثبات رویه در اندازه‌گیری و ارائه اطلاعات معاملات و سایر رویدادهای مشابه، هم درون یک واحد تجاری در طول زمان و هم بین واحدهای تجاری مختلف، ضروری است. دی فرانکو همکاران (۲۰۱۱) دو تعریف برای قابلیت مقایسه صورت‌های مالی ارائه کرده‌اند:

الف- دو شرکت دارای سیستم حسابداری قابل مقایسه هستند، اگر برای مجموعه‌ای از رویدادهای اقتصادی مشابه، صورت‌های مالی مشابهی تهیه کنند.

ب- شرکت‌هایی با رویدادهای اقتصادی همبسته و رویکردهای حسابداری مشابه برای این رویدادها، صورت‌های مالی همبسته‌ای در طول زمان خواهند داشت.

در این پژوهش به پیروی از پژوهش دقیقی ماسوله، فولادی، فرهادی و ملایی (۱۴۰۲) و فروغی و قاسم‌زاد (۱۳۹۴)، برای اندازه‌گیری قابلیت مقایسه صورت‌های مالی از معیار دی‌فرانکو همکاران (۲۰۱۱) استفاده شده است. تا پیش از پژوهش دی‌فرانکو همکاران (۲۰۱۱)، سنجش قابلیت مقایسه در اکثر پژوهش‌ها بر مبنای بررسی ورودی‌های سیستم حسابداری مانند استانداردها یا روش‌های حسابداری انجام می‌گرفت. این روش با مشکلاتی همراه بود، چرا که انتخاب ورودی‌های مناسب، تعیین وزن هر کدام و لحاظ کردن تفاوت‌های پیاده‌سازی روش‌ها در محاسبات، کار دشواری بود. به همین دلیل، بررسی نمونه‌های بزرگ شرکت‌ها در اغلب پژوهش‌ها با مشکل مواجه می‌شد. در مقابل، دی‌فرانکو همکاران، از خروجی‌های سیستم حسابداری برای سنجش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌ها استفاده کردند. فرض بر این است که اگر دو شرکت سیستم‌های حسابداری مشابهی داشته باشند، خروجی‌های آنها برای رویدادهای اقتصادی مشابه نیز باید مشابه باشند. بر این اساس، آنها از بازده سهام به‌عنوان معیاری برای انعکاس رویدادهای اقتصادی و از سود به‌عنوان معیاری برای انعکاس خروجی‌های حسابداری استفاده کردند. همان‌طور که ذکر شد در این معیار از میزان همبستگی سود - بازده یک زوج شرکت یک صنعت خاص استفاده می‌شود. در این مدل، سیستم حسابداری یک شرکت، تابعی در نظر گرفته می‌شود که رویدادهای اقتصادی (بازده سهام) را به گزارش‌های مالی (سود حسابداری) تبدیل می‌کند. به‌طوری‌که هر چه تابع حسابداری دو شرکت شباهت بیشتری با هم داشته باشند، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی آنها بیشتر خواهد بود و در این صورت برای یک مجموعه از وقایع اقتصادی مشابه باید سودی مشابه حاصل شود. برای اندازه‌گیری قابلیت مقایسه بین دو شرکت i و j، ابتدا برای هر شرکت - سال مدل رگرسیونی به شرح مدل (۱) با استفاده از داده‌های سری زمانی شش ماهه برای دوره چهارساله اخیر منتهی به پایان سال t برآورد می‌شود:

$$Earnings_{i,k}=\alpha_{i,t}+\beta_{i,t}Return_{i,k}+\varepsilon_{i,k}$$ مدل (۱)

که در آن $Earnings_{i,k}$ سود خالص شرکت i در شش ماهه k تقسیم بر ارزش بازار سهام شرکت در ابتدای شش ماهه و $Return_{i,k}$ بازده سهام شرکت i در شش ماهه k است. ضرایب برآورد شده از مدل (۱) برای هر شرکت - سال، معیاری از عملیات حسابداری آن شرکت است؛ یعنی α_i و β_i نشان‌دهندهٔ عملیات حسابداری شرکت i و α_j و β_j نیز معرف عملیات حسابداری شرکت j است. به بیان دیگر، ضرایب برآورد شده از مدل (۱) معرف تابع حسابداری شرکت هستند که رویدادهای اقتصادی (بازده سهام) را به گزارش‌های حسابداری (سود) تبدیل می‌کنند. شباهت بین تابع حسابداری دو شرکت، میزان قابلیت مقایسه بین دو شرکت را نشان می‌دهد. به‌منظور برآورد تفاوت بین تابع حسابداری دو شرکت i و j از مفهوم قابلیت مقایسه (ارائه گزارش‌های مشابه درباره مجموعه‌ای از رویدادهای مشابه) استفاده می‌شود؛ از این رو، در هر سال از طریق روابط (۲) و (۳) سود شرکت i به‌طور جداگانه یک‌بار با استفاده از تابع حسابداری خود شرکت i و یک‌بار با استفاده از تابع حسابداری شرکت j، اما با بازده شرکت i (رویداد مشابه) برای دوره زمانی مشابه با دوره زمانی مدل (۱) پیش‌بینی می‌شود:

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

رابطه (۲) $E(Earnings)_{ii,k}=\hat{\alpha}_i+\hat{\beta}_i Return_{i,k}$

رابطه (۳) $E(Earnings)_{ij,k}=\hat{\alpha}_j+\hat{\beta}_j Return_{i,k}$

در این روابط $E(Earnings)_{ii,k}$ سود پیش‌بینی‌شده شرکت i و شش ماهه K با استفاده از تابع حسابداری شرکت i و بازده سهام شرکت i و $E(Earnings)_{ij,k}$ سود پیش‌بینی‌شده شرکت i و شش ماهه K با استفاده از تابع حسابداری شرکت j و بازده سهام شرکت i است. هدف از انجام روابط فوق این است که مشخص شود تخمین سود مورد انتظار یک شرکت با استفاده از تابع حسابداری و بازده خود این شرکت، نتایج مشابهی با سود مورد انتظار همین شرکت در صورت استفاده از تابع حسابداری شرکت هم صنعت آن و بازده آن شرکت دارد یا خیر؟ به عبارت دیگر، آیا به‌کارگیری عملیات حسابداری یکسان برای رویدادهای اقتصادی یکسان می‌تواند منجر به گزارش‌های حسابداری یکسانی شود؟ درواقع، هرچه عملیات حسابداری دو شرکت با یکدیگر قابلیت مقایسه بیشتری داشته باشند، تفاوت کمتری بین دو سود مورد انتظار مشاهده خواهد شد. با توجه به مطالب فوق، قابلیت مقایسه بین دو شرکت i و j در سال t از طریق رابطه (۴) به شرح زیر محاسبه می‌شود.

رابطه (۴) $compAcct_{ij,t}=\frac{-1}{8}\sum_{k-7}^{k}\left|E(Earnings)_{ii,k}-E(Earnings)_{ij,k}\right|$

میانگین تفاوت در مقادیر سود پیش‌بینی‌شده نشان‌دهندهٔ تفاوت در تابع حسابداری دو شرکت است؛ لذا، قرینه آن، میزان شباهت و قابلیت مقایسه بین دو شرکت را به شرح رابطهٔ فوق نشان می‌دهد. مقادیر بالاتر این رابطه، قابلیت مقایسه بیشتری را منعکس می‌کند؛ به عبارت دیگر، هر چه این مقدار به صفر نزدیک‌تر باشد، قابلیت مقایسه بین دو شرکت بیشتر است. به طریق مشابه، برای هر سال و هر جفت شرکت i با شرکت‌های j عضو یک صنعت، معیار قابلیت مقایسه صورت‌های مالی محاسبه شد. در نهایت، میانگین چهار عدد بزرگ‌تر محاسبه‌شده برای آن، معیار قابلیت مقایسه شرکت i تعریف می‌شود که با $compAcct_{it}$ نشان داده می‌شود.

متغیرهای تعدیل‌گر

درماندگی مالی شرکت: درماندگی مالی یک متغیر دو ارزشی است که اگر شرکت درمانده مالی باشد، برابر یک و در غیر این صورت صفر است. برای تفکیک شرکت‌های نمونه به درمانده مالی و غیر درمانده مالی از معیار Z آلتمن[1] مطابق با پژوهش بادآور نهندی و تقی‌زاده خانقاه (۱۳۹۳) استفاده شده است و طبق رابطه (۵) محاسبه می‌شود:

رابطه (۵) $Z=0.717X_1+0.847X_2+3.107X_3+0.420X_4+0.998X_5$

که در آن X_1 نسبت سرمایه در گردش به‌کل دارایی‌ها، X_2 نسبت سود انباشته به‌کل دارایی‌ها، X_3 نسبت سود عملیاتی به‌کل دارایی‌ها، X_4 نسبت ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت به ارزش دفتری کل بدهی‌ها و X_5 نسبت فروش به‌کل دارایی‌ها است. در این رابطه هر چه Z پایین‌تر باشد درجه بحران مالی شرکت بیشتر است. به استناد پژوهش بادآور نهندی و تقی‌زاده خانقاه (۱۳۹۳)، در این پژوهش شرکت‌ها بر مبنای شاخص ۲/۹ به دو دسته درمانده مالی و غیر درمانده مالی تقسیم می‌شوند؛ بنابراین، بعد از محاسبه Z برای شرکت‌های عضو نمونه، شرکت‌ها بر اساس معیار Z رتبه‌بندی می‌شوند، به‌طوری‌که اگر $Z<2/9$ باشد، شرکت درمانده مالی تشخیص داده می‌شود و متغیر درماندگی مالی برابر یک خواهد بود و در غیر این صورت اگر $Z \geq 2/9$ باشد، شرکت غیر درمانده مالی تشخیص داده می‌شود و متغیر درماندگی مالی برابر صفر است.

کوچک بودن اندازه شرکت: در این پژوهش کوچک بودن اندازه شرکت یک متغیر دو ارزشی است. اگر شرکت کوچک باشد، برابر یک و در غیر این صورت صفر است. برای تفکیک شرکت‌های نمونه به پیروی از پژوهش اعتمادی و سلوری (۱۳۹۱) ابتدا میانگین فروش از سال ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۹ برای هر شرکت محاسبه و سپس میانه میانگین فروش اندازه‌گیری می‌شود. شرکت‌هایی که کمتر از این مبلغ فروش داشته‌اند، شرکت‌های کوچک هستند و این متغیر برابر با یک است و شرکت‌هایی که بالاتر از این مبلغ فروش داشته‌اند، شرکت‌های بزرگ هستند و این متغیر برابر صفر است.

[1] Altman

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

متغیرهای کنترلی

نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری: از تقسیم ارزش بازار بـر ارزش دفتـری حقوق صاحبان سهام محاسبه می‌شود (بولو، پارسیان و نعمتی، ۱۳۹۱).

اندازه شرکت: از لگاریتم جمع دارایی‌ها در پایان دوره محاسبه می‌شود (بولو همکاران، ۱۳۹۱).

فرصت‌های سرمایه‌گذاری: در این پژوهش از نسبت کیو توبین که از مجموع ارزش دفتری بدهی‌ها و ارزش بازار سهام تقسیم بر ارزش دفتری دارایی‌ها به دسـت مـی‌آیـد، استفاده می‌شود (نیک‌کار و محمدی، ۱۳۹۸).

نسبت دارایی‌های جاری غیر نقدی بر کل دارایی‌ها: از طریق تقسیم دارایی‌های جاری غیر نقدی بر کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود (اسلام، ۲۰۱۸).

سودآوری: در این پژوهش از بازده دارایی‌ها که از نسبت سود خالص بر جمع دارایی‌ها به دسـت مـی‌آیـد، استفاده می‌شود (بولو همکاران، ۱۳۹۱).

نسبت بدهی‌های جاری به‌استثنای حساب‌های پرداختنی بر کل دارایی‌ها: از طریق کسر کردن حساب‌های پرداختنی از بدهی‌های جاری و تقسیم آن بر کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود (اسلام، ۲۰۱۸).

عمر شرکت: عمر پذیرش شرکت در بورس اوراق بهادار است و برابر با لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی است که شرکت در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده است (نیک‌کار و محمدی، ۱۳۹۸).

سهم بازار: برابر با نسبت فروش شرکت به فروش کل صنعت است (نیک‌کار و محمدی، ۱۳۹۸).

اهرم مالی: از تقسیم کل بدهی‌ها بر ارزش دفتری دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

مدل‌های پژوهش

به‌منظور آزمون فرضیه اول به پیروی از پژوهش اسلام (۲۰۱۸) از مدل (۲) استفاده شده است:

$$T\ Credit_{it} = \beta_0 + \beta_1 CompAcct_{it} + \beta_2 MTB_{it} + \beta_3 Size_{it} + \beta_4 Tobin\ Q_{it} + \beta_5 CA_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 CL_XTRADE_{it} + \beta_8 Age_{it} + \beta_9 Market\ Share_{it} + \beta_{10} Leverage_{it} + In_k + Yr_t + \varepsilon_{it}$$

مدل (۲)

که در آن، $T\ Credit_{it}$ اعتبار تجاری شرکت i در سال t، MTB_{it} ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t، $Size_{it}$ اندازه شرکت i در سال t، $Tobin\ Q_{it}$ فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت i در سال t، CA_{it} نسبت دارایی‌های جاری غیر نقدی بر کل دارایی‌های شرکت i در سال t، ROA_{it} بازده دارایی‌های شرکت i در سال t، CL_XTRADE_{it} نسبت بدهی‌های جاری به‌استثنای حساب‌های پرداختنی بر کل دارایی‌های شرکت i در سال t، Age_{it} عمر شرکت i در سال t، $Market\ Share_{it}$ سهم بازار شرکت i در سال t، $Leverage_{it}$ اهرم مالی شرکت i در سال t، ε_{it} جزء خطای مدل رگرسیون برای شرکت i در سال t، In_k به‌منظور کنترل اثرات ثابت صنعت و Yr_t به‌منظور کنترل اثرات ثابت سال در مدل به کار گرفته می‌شود.

در مدل (۲) در صورتی قابلیت مقایسه، اعتبار تجاری شرکت را افزایش می‌دهد که ضریب β_1 مثبت و معنادار باشد. مثبت و معنادار بودن ضریب β_1 نشان‌دهندهٔ تأیید فرضیه اول پژوهش است.

به‌منظور آزمون فرضیه دوم به پیروی از پژوهش اسلام (۲۰۱۸) از مدل (۳) استفاده شده است:

$$T\ Credit_{it} = \beta_0 + \beta_1 CompAcct_{it} + \beta_2 Distress_{it} + \beta_3 CompAcct_{it} \times Distress_{it} + \beta_4 MTB_{it} + \beta_5 Size_{it} + \beta_6 Tobin\ Q_{it} + \beta_7 CA_{it} + \beta_8 ROA_{it} + \beta_9 CL_XTRADE_{it} + \beta_{10} Age_{it} + \beta_{11} Market\ Share_{it} + \beta_{12} Leverage_{it} + In_k + Yr_t + \varepsilon_{it}$$

مدل (۳)

در مدل (۳)، $Distress_{it}$ نشان‌دهندهٔ درماندگی مالی شرکت i در سال t و شرح سایر متغیرها همانند متغیرهای مدل (۲) است. در مدل (۳) در صورتی قابلیت مقایسه، اعتبار تجاری شرکت‌های درمانده مالی را افزایش می‌دهد که ضریب β_3 مثبت و معنادار باشد. مثبت و معنادار بودن ضریب β_3 نشان‌دهندهٔ تأیید فرضیه دوم پژوهش است.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

به‌منظور آزمون فرضیه سوم به پیروی از پژوهش اسلام (۲۰۱۸) از مدل (۴) استفاده شده است:

$$T\ Credit_{it} = \beta_0 + \beta_1 CompAcct_{it} + \beta_2 Size_Small_{it} + \beta_3 CompAcct_{it} \times Size_Small_{it} + \beta_4 MTB_{it} + \beta_5 Size_{it} + \beta_6 Tobin\ Q_{it} + \beta_7 CA_{it} + \beta_8 ROA_{it} + \beta_9 CL_XTRADE_{it} + \beta_{10} Age_{it} + \beta_{11} Market\ Share_{it} + \beta_{12} Leverage_{it} + In_k + Yr_t + \varepsilon_{it}$$

مدل (۴)

در مدل (۴)، $Size_Small_{it}$ نشان‌دهندهٔ کوچک بودن اندازه شرکت i در سال t و شرح سایر متغیرها همانند متغیرهای مدل (۲) و (۳) است. در مدل (۴) در صورتی قابلیت مقایسه، اعتبار تجاری شرکت‌های کوچک را افزایش می‌دهد که ضریب β_3 مثبت و معنادار باشد. مثبت و معنادار بودن ضریب β_3 نشان‌دهندهٔ تأیید فرضیه سوم پژوهش است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

نتایج آمار توصیفی در جداول (۱) و (۲) ارائه شده‌اند. نتایج نشان می‌دهند میانگین اعتبار تجاری برابر با ۰/۱۷۹ است؛ یعنی مقدار حساب‌ها و اسناد پرداختنی تجاری معادل ۱۷/۹ درصد کل دارایی‌ها است. حداقل و حداکثر این متغیر به ترتیب برابر با ۰ و ۰/۸۴۴ است. میانگین قابلیت مقایسه برابر با ۰/۰۲۶- است که بیشتر از مقادیر گزارش‌شده در پژوهش‌های کیم و همکاران (۲۰۲۱)، چن، کورت وانگ[1] (۲۰۲۰) و اسلام (۲۰۱۸) است. این موضوع بیان‌کنندهٔ این است که صورت‌های مالی شرکت‌های نمونه در این پژوهش، از قابلیت مقایسه بالاتری برخوردارند. همچنین، اختلاف اطلاعات حسابداری شرکت‌های یک صنعت با یکدیگر به‌طور متوسط ۲/۶ درصد است و حدود ۹۷/۴ درصد شرکت‌های نمونه از روش‌های یکسانی استفاده می‌کنند. بر اساس مدل اندازه‌گیری دی‌فرانکو همکاران (۲۰۱۱) متغیر قابلیت مقایسه حداکثر صفر است و در غیر این صورت، باید منفی باشد. مقدار بزرگ‌تر این معیار، نشان‌دهندهٔ قابلیت مقایسه بالاتر است. حداقل و حداکثر قابلیت مقایسه نیز به ترتیب برابر با ۰/۲۰۳- و ۰/۰۰۲- است. در ۷۶/۵ درصد سال شرکت‌های مورد بررسی، شرکت‌ها دارای درماندگی مالی هستند و در ۵۶ درصد آنها، اندازه شرکت‌ها کوچک بوده است. متوسط اهرم مالی شرکت‌های نمونه برابر با ۰/۵۶۰ است؛ به عبارت دیگر، ۵۶ درصد از دارایی‌ها از طریق استقراض تأمین شده است. حداقل و حداکثر اهرم مالی شرکت‌ها نیز در طول دوره پژوهش به ترتیب برابر با ۰/۰۳۱ و ۱/۵۶۵ است. سود خالص نیز معادل ۱۳/۸ درصد دارایی‌ها است. انحراف معیار نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری ۱۲/۶۸۳ و قابلیت مقایسه ۰/۰۲۹ است که نشان می‌دهد نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری، بیشترین و قابلیت مقایسه، کمترین پراکندگی را دارند.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
اعتبار تجاری	T Credit	۹۷۶	۰/۱۷۹	۰/۱۴۸	۰	۰/۸۴۴
قابلیت مقایسه	CompAcct	۹۷۶	-۰/۰۲۶	۰/۰۲۹	-۰/۲۰۳	-۰/۰۰۲
درماندگی مالی	Distress	۹۷۶	۰/۷۶۵	۰/۴۲۴	۰	۱
کوچک بودن اندازه شرکت	Size_Small	۹۷۶	۰/۵۶۰	۰/۴۹۶	۰	۱
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	MTB	۹۷۶	۵/۵۳۰	۱۲/۶۸۳	-۴۹/۷۰۳	۲۲۷/۶۸۲
فرصت‌های سرمایه‌گذاری	Tobin Q	۹۷۶	۲/۸۴۳	۳/۸۱۶	۰/۶۹۱	۷۶/۶۲۹
نسبت دارایی‌های جاری غیر نقدی بر کل دارایی‌ها	CA	۹۷۶	۰/۶۲۱	۰/۱۸۸	۰/۰۵۸	۰/۹۴۸
اهرم مالی	Leverage	۹۷۶	۰/۵۶۰	۰/۲۰۱	۰/۰۳۱	۱/۵۶۵
بازده دارایی‌ها	ROA	۹۷۶	۰/۱۳۸	۰/۱۵۴	-۰/۴۰۴	۰/۶۵۴
نسبت بدهی‌های جاری به‌استثنای حساب‌های پرداختنی بر کل دارایی‌ها	CL_XTRADE	۹۷۶	۰/۳۱۳	۰/۱۷۹	۰/۰۰۳	۰/۹۴۵
عمر شرکت	Age	۹۷۶	۲/۹۰	۰/۳۷۹	۱/۳۸۶	۳/۹۵۱
سهم بازار شرکت	Market Share	۹۷۶	۰/۰۸۸	۰/۱۲۵	۰/۰۰۰۱	۰/۶۴۲
اندازه شرکت	Size	۹۷۶	۱۴/۶۴۴	۱/۵۵۲	۱۱/۰۷۸	۲۰/۷۶۸

منبع: یافته‌های پژوهش

[1] Chen, Kurt & Wang

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

جدول (۲): توزیع فراوانی متغیرهای دو ارزشی

متغیر	نماد	تعداد شرکت		درصد	
		یک	صفر	یک	صفر
درماندگی مالی	Distress	۷۴۷	۲۲۹	۷۶/۵۴	۲۳/۴۶
کوچک بودن اندازه شرکت	Size_Small	۵۴۷	۴۲۹	۵۶/۰۵	۴۳/۹۵

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج آزمون فرضیه اول

برای آزمون فرضیه اول، از مدل (۲) استفاده شده است. برای بررسی و اثبات درون‌زایی قابلیت مقایسه، از آزمون دوربین - وو - هاسمن[1] بهره گرفته شده است. در این آزمون، همبستگی بین متغیر قابلیت مقایسه و جمله خطای مدل بررسی می‌شود. در صورتی که همبستگی معنی‌داری بین این وجود داشته باشد، متغیر قابلیت مقایسه را متغیری درون‌زا می‌نامند. آماره کای دو آزمون درون‌زایی دوربین - وو - هاسمن برابر با ۰/۲۷۰ و احتمال آماره کای دو برابر ۰/۶۰۳ است که در سطح ۵ درصد معنی‌دار نیست؛ بنابراین، آزمون درون‌زایی متغیر قابلیت مقایسه برای این مدل، بیان‌کنندهٔ عدم رد فرض صفر است و قابلیت مقایسه در مدل درون‌زا نیست؛ درنتیجه، برای برازش مدل (۲) از روش رگرسیون حداقل مربعات تعمیم‌یافته[2] استفاده می‌شود. نتایج برآورد این مدل در جدول (۳) آمده‌اند:

جدول (۳): نتایج برآورد مدل (۲) به روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته

متغیر	نماد	ضریب	آماره تی	احتمال آماره تی	عامل تورم واریانس
قابلیت مقایسه	CompAcct	۰/۱۸۳	۳/۰۱	۰/۰۰۳	۱/۱۳
ارزش بازار به ارزش دفتری	MTB	۰/۰۰۱	۱/۹۰	۰/۰۵۷	۱/۵۰
اندازه شرکت	Size	۰/۰۰۶	۵/۵۲	۰/۰۰۰	۱/۶۵
فرصت‌های سرمایه‌گذاری	TobinQ	۰/۰۰۰۱	۰/۰۶	۰/۹۵۳	۱/۶۶
نسبت دارایی‌های جاری غیر نقدی بر کل دارایی‌ها	CA	۰/۱۰۲	۱۳/۴۰	۰/۰۰۰	۱/۲۲
بازده دارایی‌ها	ROA	-۰/۰۵۱	-۵/۳۲	۰/۰۰۰	۲/۲۰
نسبت بدهی‌های جاری به‌استثنای حساب‌های پرداختنی بر کل دارایی‌ها	CL_XTRADE	-۰/۸۷۶	-۱۱۲/۷۹	۰/۰۰۰	۱/۷۵
عمر شرکت	Age	-۰/۰۰۶	-۱/۹۰	۰/۰۵۷	۱/۰۳
سهم بازار شرکت	Market Share	-۰/۰۰۱	-۰/۱۱	۰/۹۱۲	۱/۶۷
اهرم مالی	Leverage	۰/۷۹۱	۷۲/۶۵	۰/۰۰۰	۲/۸۸
آزمون والد (احتمال آماره)				۱۵۰۱۷ (۰/۰۰۰)	
آزمون همسانی واریانس والد تعدیل شده (احتمال آماره)				۶۵۰۲۵ (۰/۰۰۰)	
آزمون عدم خودهمبستگی وولدریج (احتمال آماره)				۲۲/۶۱۸ (۰/۰۰۰)	
آزمون دورن‌زایی دوربین –وو –هاسمن (احتمال آماره)				۰/۲۷۰ (۰/۶۰۳)	

منبع: یافته‌های پژوهش

برای بررسی فرض‌های همسانی واریانس و عدم خودهمبستگی، به ترتیب از آزمون‌های والد تعدیل‌شده[3] وولدریج[4] استفاده شده است. بر اساس نتایج، فرض صفر آزمون والد تعدیل‌شده مبنی بر همسانی واریانس رد شده است و اجزای اخلال مدل دارای ناهمسانی واریانس می‌باشند. از طرف دیگر، بر اساس نتایج آزمون خودهمبستگی وولدریج، فرض صفر عدم خودهمبستگی اجزای اخلال نیز در سطح یک درصد رد شده است و مدل با مشکل خودهمبستگی روبه‌رو است؛ لذا، برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی، مدل (۲) با روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته برازش شده است.

[1] Durbin, Wu-Hausman
[2] Generalized Least Squares (GLS)
[3] Modified Wald Test
[4] Wooldridge

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

در ستون آخر جدول (۳) نتایج آزمون عدم هم‌خطی با استفاده از شاخص عامل تورم واریانس[1] گزارش شده است. با توجه به اینکه عامل تورم واریانس برای همه متغیرهای مستقل و کنترلی کمتر از عدد ۵ می‌باشد، مشکل هم‌خطی در متغیرهای مدل وجود ندارد. آماره کای دو آزمون والد (۱۵۰۱۷) که در روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته جایگزین آماره اف فیشر می‌باشد، در سطح یک درصد معنی‌دار است و بیان‌کنندهٔ معنی‌داری کلی مدل رگرسیون است. همچنین ضریب متغیر قابلیت مقایسه CompAcct (۰/۱۸۳) با احتمال (۰/۰۰۳) در سطح یک درصد معنی‌دار است و نشان می‌دهد که افزایش قابلیت مقایسه باعث افزایش اعتبار تجاری شرکت می‌شود؛ در نتیجه، فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود.

نتایج آزمون فرضیه دوم

برای آزمون فرضیه دوم، از مدل (۳) استفاده شده است. آماره کای دو آزمون درون‌زایی دوربین - وو - هاسمن برابر با ۰/۰۲۸ و احتمال آماره کای دو برابر ۰/۸۶۷ است که در سطح ۵ درصد معنی‌دار نیست؛ بنابراین، آزمون درون‌زایی متغیر قابلیت مقایسه برای این مدل، بیان‌کنندهٔ عدم رد فرض صفر است و قابلیت مقایسه در این مدل درون‌زا نیست؛ درنتیجه، برای برازش مدل (۳) از روش رگرسیون حداقل مربعات تعمیم‌یافته استفاده می‌شود. نتایج برآورد این مدل در جدول (۴) آمده‌اند:

جدول (۴): نتایج برآورد مدل (۳) به روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته

متغیر	نماد	ضریب	آماره تی	احتمال آماره تی	عامل تورم واریانس
قابلیت مقایسه	CompAcct	۰/۰۸۷	۱/۳۳	۰/۱۸۳	۲/۵۲
ارزش بازار به ارزش دفتری	MTB	۰/۰۰۵	۲/۳۶	۰/۰۱۸	۲/۳۸
اندازه شرکت	Size	۰/۱۵۲	۲/۵۵	۰/۰۱۱	۳/۱۱
فرصت‌های سرمایه‌گذاری	TobinQ	۰/۰۰۱	۲/۰۰	۰/۰۴۵	۱/۵۰
نسبت دارایی‌های جاری غیر نقدی بر کل دارایی‌ها	CA	۰/۰۰۶	۵/۳۵	۰/۰۰۰	۱/۶۷
بازده دارایی‌ها	ROA	-۰/۰۰۰۱	-۰/۱۷	۰/۸۶۳	۱/۶۶
نسبت بدهی‌های جاری به‌استثنای حساب‌های پرداختنی بر کل دارایی‌ها	CL_XTRADE	۰/۰۹۷	۱۲/۱۴	۰/۰۰۰	۱/۲۳
عمر شرکت	Age	-۰/۰۴۳	-۴/۲۳	۰/۰۰۰	۲/۷۲
سهم بازار شرکت	Market Share	-۰/۸۷۸	-۱۱۱/۹۹	۰/۰۰۰	۱/۸۲
اهرم مالی	Leverage	-۰/۰۰۶	-۱/۸۳	۰/۰۶۷	۱/۰۳
آزمون والد (احتمال آماره)				۱۴۸۹۹ (۰/۰۰۰)	
آزمون همسانی واریانس والد تعدیل شده (احتمال آماره)				۶۰۷۱۱ (۰/۰۰۰)	
آزمون عدم خودهمبستگی وولدریج (احتمال آماره)				۲۱/۹۲۱ (۰/۰۰۰)	
آزمون دورن‌زایی دوربین –وو –هاسمن (احتمال آماره)				۰/۰۲۸ (۰/۸۶۷)	

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج، فرض صفر آزمون والد تعدیل‌شده مبنی بر همسانی واریانس رد شده است و اجزای اخلال مدل (۳) دارای ناهمسانی واریانس می‌باشند. از طرف دیگر، بر اساس نتایج آزمون خودهمبستگی وولدریج، فرض صفر عدم خودهمبستگی اجزای اخلال نیز در سطح ۵ درصد رد شده است و مدل با مشکل خودهمبستگی روبه‌رو است؛ لذا، برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی، این مدل با روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته برازش شده است.

در ستون آخر جدول (۴)، با توجه به اینکه عامل تورم واریانس برای همه متغیرهای مستقل و کنترلی کمتر از عدد ۵ می‌باشد، مشکل هم‌خطی در متغیرهای مدل وجود ندارد. آماره کای دو آزمون والد (۱۴۸۹۹) نیز در سطح یک درصد معنی‌دار است و بیان‌کنندهٔ معنی‌داری کلی مدل رگرسیون است. همچنین ضریب متغیر ضربی قابلیت مقایسه و درماندگی مالی CompAcct * Distress (۰/۱۵۲) با احتمال (۰/۰۱۱) در سطح ۵ درصد معنی‌دار است و نشان می‌دهد با افزایش قابلیت مقایسه، اعتبار تجاری شرکت‌های درمانده مالی افزایش می‌یابد؛ در نتیجه، فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود.

[1] Variance Inflation Factor (VIF)

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

نتایج آزمون فرضیه سوم

برای آزمون فرضیه سوم، از مدل (۴) استفاده شده است. آماره کای دو آزمون درون‌زایی دوربین - وو - هاسمن برابر با ۰/۹۲۸ و احتمال آماره کای دو برابر ۰/۳۳۵ است که در سطح ۵ درصد معنی‌دار نیست؛ بنابراین، آزمون درون‌زایی متغیر قابلیت مقایسه برای این مدل، بیان‌کنندهٔ عدم رد فرض صفر است و قابلیت مقایسه در این مدل درون‌زا نیست؛ درنتیجه، برای برازش مدل (۴) از روش رگرسیون حداقل مربعات تعمیم‌یافته استفاده می‌شود. نتایج برآورد این مدل در جدول (۵) آمده‌اند:

جدول (۵): نتایج برآورد مدل (۴) به روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته

متغیر	نماد	ضریب	آماره تی	احتمال آماره تی	عامل تورم واریانس
قابلیت مقایسه	CompAcct	۰/۱۴۹	۲/۱۲	۰/۰۳۴	۱/۸۷
ارزش بازار به ارزش دفتری	MTB	۰/۰۰۲	۰/۷۴	۰/۴۵۹	۲/۶۱
اندازه شرکت	Size	۰/۰۹۲	۱/۱۷	۰/۲۴۱	۲/۶۳
فرصت‌های سرمایه‌گذاری	TobinQ	۰/۰۰۰۲	۲/۲۵	۰/۰۲۴	۱/۵۰
نسبت دارایی‌های جاری غیر نقدی بر کل دارایی‌ها	CA	۰/۰۰۶	۵/۲۰	۰/۰۰۰	۲/۶۶
بازده دارایی‌ها	ROA	-۰/۰۰۰۱	-۰/۰۹	۰/۹۳۲	۱/۶۶
نسبت بدهی‌های جاری به‌استثنای حساب‌های پرداختنی بر کل دارایی‌ها	CL_XTRADE	۰/۱۰۹	۱۴/۱۴	۰/۰۰۰	۱/۲۵
عمر شرکت	Age	-۰/۰۵۶	-۵/۷۰	۰/۰۰۰	۲/۲۳
سهم بازار شرکت	Market Share	-۰/۸۶۹	-۱۱۰/۳۶	۰/۰۰۰	۱/۷۸
اهرم مالی	Leverage	-۰/۰۱۰	-۳/۱۹	۰/۰۰۱	۱/۰۴
آزمون والد (احتمال آماره)				۱۴۶۹۹ (۰/۰۰۰)	
آزمون همسانی واریانس والد تعدیل شده (احتمال آماره)				۱۳۰۰۰۰ (۰/۰۰۰)	
آزمون عدم خودهمبستگی وولدریج (احتمال آماره)				۲۲/۴۰۷ (۰/۰۰۰)	
آزمون دورن‌زایی دوربین –وو –هاسمن (احتمال آماره)				۰/۹۲۸ (۰/۳۳۵)	

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج، فرض صفر آزمون والد تعدیل شده مبنی بر همسانی واریانس رد شده است و اجزای اخلال مدل (۴) دارای مشکل ناهمسانی واریانس می‌باشند. از طرف دیگر، بر اساس نتایج آزمون خودهمبستگی وولدریج، فرض صفر عدم خودهمبستگی اجزای اخلال نیز در سطح ۵ درصد رد شده است و مدل با مشکل خودهمبستگی روبه‌رو است؛ لذا، برای رفع هم‌زمان مشکل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی، این مدل با بهره‌گیری از برآوردگر حداقل مربعات تعمیم‌یافته برازش شده است.

در ستون آخر جدول (۵)، با توجه به اینکه عامل تورم واریانس برای همه متغیرهای مستقل و کنترلی کمتر از عدد ۵ است، مشکل هم‌خطی در متغیرهای مدل وجود ندارد. آماره کای دو آزمون والد (۱۴۶۹۹) نیز در سطح یک درصد معنی‌دار است و نشان می‌دهد مدل رگرسیون با اطمینان ۹۹ درصد معنی‌دار است. همچنین با توجه به مثبت بودن ضریب متغیر ضربی قابلیت مقایسه و کوچک بودن اندازه شرکت CompAcct*Size_Small (۰/۰۹۲)، می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش قابلیت مقایسه، اعتبار تجاری شرکت‌های کوچک افزایش می‌یابد؛ لیکن، با در نظر گرفتن احتمال آماره تی (۰/۲۴۱)، ضریب موردنظر از نظر آماری معنی‌دار نیست؛ در نتیجه، فرضیه سوم پژوهش تأیید نمی‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه به بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر اعتباری تجاری با در نظر گرفتن نقش شرکت‌های درمانده مالی و شرکت‌های کوچک پرداخته شد. نتایج آزمون فرضیه اول، بیان‌کنندهٔ وجود رابطهٔ مثبت و معنادار بین قابلیت مقایسه و اعتبار تجاری است. با افزایش ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری همچون افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، اعتباردهندگان پیش‌بینی بهتری دربارهٔ فعالیت‌های آتی شرکت می‌کنند؛ درنتیجه، اعتماد بیشتری به شرکت خواهند داشت و این موضوع افزایش اعتبار تجاری را برای شرکت به همراه دارد. یک راهکار کلیدی که سبب افزایش اعتبار تجاری می‌شود، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی است. شرکت‌ها با ارتقای مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی می‌توانند گامی بلند در راستای شفاف‌سازی اطلاعات بردارند و اطلاعات بیشتری در خصوص وضعیت و عملکرد مالی خود به اعتباردهندگان عرضه کنند. این

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

اقدام سبب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود و اعتماد و اطمینان اعتباردهندگان را جلب می‌کند و زمینه را برای دریافت اعتبارات بیشتر و با شرایط مطلوب‌تر فراهم می‌سازد. در واقع، ارائه گزارش‌های مالی قابل مقایسه به‌مثابه زبانی گویا و رسا عمل می‌کند که گویای سلامت و ثبات مالی شرکت است. این زبان گویا، پیامی واضح برای اعتباردهندگان دارد و آن این است که می‌توان با اطمینان خاطر به شرکت اعتماد کرد و اعتبار در اختیار آن قرار داد. این نتایج همسو با مبانی نظری پژوهش است و به دلیل اینکه در پژوهش حاضر برای نخستین بار رابطهٔ قابلیت مقایسه با اعتبار تجاری در ایران بررسی شده است، با نتایج پژوهش‌های داخلی قابل مقایسه نیست. از میان پژوهش‌های خارجی نیز مغایر با یافته‌های پژوهش اسلام (۲۰۱۸) است، اما نزدیک به نتایج پژوهش بهاراث و همکاران (۲۰۰۸) است. در آزمون فرضیه دوم، نتایج بیان‌کنندهٔ وجود رابطهٔ مثبت و معنادار بین قابلیت مقایسه و اعتبار تجاری شرکت‌های درمانده مالی است. مقایسه‌پذیری، توانایی اعتباردهندگان در ارزیابی بهتر درماندگی مالی را افزایش می‌دهد و افزایش این ویژگی کیفی در شرکت‌های درمانده مالی سبب افزایش اعتبار تجاری آنها می‌شود. دلیل این امر را می‌توان این‌گونه بیان کرد که افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای ارتقای اعتبار تجاری شرکت‌ها، به‌خصوص در شرایط درماندگی مالی، مورد استفاده قرار گیرد. با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، بهبود ارزیابی وضعیت مالی و افزایش اعتماد اعتباردهندگان، شرکت‌های درمانده مالی دارای صورت‌های مالی با قابلیت مقایسه بیشتر نسبت به سایر شرکت‌های درمانده مالی با مقایسه‌پذیری کمتر، می‌توانند به اعتبار مورد نیاز برای ادامه فعالیت و رشد خود دسترسی پیدا کنند. با توجه به رابطهٔ مثبت و معنادار بین قابلیت مقایسه و اعتبار تجاری شرکت‌های درمانده مالی می‌توان نتیجه گرفت که مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی در شرکت‌های درمانده مالی نیز برای اعتباردهندگان دارای اهمیت است؛ زیرا سبب افزایش اطمینان آنها می‌شود. این امر به دلیل مزایایی است که قابلیت مقایسه برای شرکت‌های درمانده مالی به ارمغان می‌آورد. این نتایج نیز همسو با مبانی نظری پژوهش است و به دلیل عدم انجام پژوهش مشابه در ایران با یافته‌های پژوهش‌های داخلی قابل مقایسه نیست و از میان پژوهش‌های خارجی نیز در تضاد با یافته‌های پژوهش اسلام (۲۰۱۸) است. نتایج آزمون فرضیه سوم، نشان‌دهنده وجود رابطهٔ مثبت ولی غیر معنادار بین قابلیت مقایسه و اعتبار تجاری شرکت‌های کوچک است. با توجه به اینکه در ایران پژوهش مشابهی در این زمینه انجام نشده است، یافته‌های مطالعه حاضر با نتایج پژوهش‌های داخلی قابل مقایسه نیست. همچنین، نتایج به‌دست‌آمده با یافته‌های پژوهش اسلام (۲۰۱۸) همسو نمی‌باشد.

پیشنهادات پژوهش

با توجه به یافته‌های این پژوهش به فعالان بازار سرمایه و سرمایه‌گذاران توصیه می‌شود در شرکت‌هایی که گزارش‌های مالی آنها مقایسه‌پذیرتر است، سرمایه‌گذاری کنند؛ زیرا نقش نظارتی قابلیت مقایسه مانع از پنهان‌کاری اطلاعات توسط مدیران و سوءاستفاده آنها از اطلاعات محرمانه می‌شود و در نهایت منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و تأمین‌کنندگان می‌شود. با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، اعتبار تجاری بیشتری توسط تأمین‌کنندگان به شرکت‌ها تعلق خواهد گرفت. به تحلیل‌گران نیز پیشنهاد می‌شود که در تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌های خود، تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی را بر اعتبار تجاری شرکت‌ها مدنظر قرار دهند و به این نکته توجه داشته باشند که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی موجب افزایش اعتبار تجاری شرکت‌ها می‌شود. با توجه به نتایج که ثابت شد با افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، اعتبار تجاری شرکت افزایش می‌یابد، سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران مالی می‌توانند برای ارزیابی اعتبار تجاری یک شرکت، در تحلیل شرکت‌ها به تحلیل صنعت مربوطه و سایر شرکت‌های همان صنعت بپردازند و اطلاعات شرکت‌های یک صنعت را با یکدیگر مقایسه کنند. این امر نه‌تنها سبب بهبود تصمیم‌گیری‌های مالی می‌شود، بلکه باعث می‌شود تا سرمایه‌گذاران اطمینان بیشتری نسبت به‌سلامت و شفافیت مالی شرکت‌ها و همچنین اعتبار تجاری شرکت پیدا کنند. همچنین، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، فراتر از افزایش اعتبار تجاری، می‌تواند نقش مهمی در افزایش درک سرمایه‌گذاران از جزئیات مالی شرکت‌ها ایفا کند. بخش‌هایی از اطلاعات مالی شرکت‌ها هستند که به‌راحتی قابل‌مشاهده نیستند و ممکن است شامل اطلاعات محرمانه و خصوصی باشند. به همین دلیل، وقتی سرمایه‌گذاران بتوانند صورت‌های مالی شرکت‌های مختلف را با یکدیگر مقایسه کنند، می‌توانند بینش دقیق‌تری از نحوه مدیریت تعهدات و عملکرد واقعی شرکت‌ها به دست آورند لذا، پیشنهاد می‌شود که سرمایه‌گذاران به قابلیت مقایسه

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

صورت‌های مالی به‌عنوان یک منبع اطلاعاتی استراتژیک نگاه کنند تا با تحلیل دقیق‌تر و جامع‌تر، ریسک انتخاب نادرست سرمایه‌گذاری را کاهش داده و از مزیت اطلاعاتی بیشتری برخوردار شوند.

به اعتباردهندگان توصیه می‌شود که با توجه به نقش قابلیت مقایسه در ارتقای اعتبار تجاری، در زمان تصمیم‌گیری درباره اعطای اعتبار به شرکت‌ها، به قابلیت مقایسه صورت‌های مالی توجه ویژه‌ای داشته باشند تا تصمیم‌های آگاهانه‌تری اتخاذ کنند و ریسک اعتباری مرتبط با اعطای اعتبار را کاهش دهند. اطلاعات دقیق و قابل مقایسه از صورت‌های مالی شرکت‌ها، اعتباردهندگان را در ارزیابی صحیح توانمندی‌ها و عملکرد مالی شرکت‌ها کمک می‌کند و به آنها امکان می‌دهد تا تصمیم‌های مبتنی بر اطلاعات قابل‌اطمینان‌تر و بهتری بگیرند. اعتباردهندگان در هنگام اعطای اعتبار به شرکت‌های درمانده و بحران‌زده، شرکت‌هایی را در اولویت قرار دهند که صورت‌های مالی آنها مقایسه‌پذیرتر از سایر شرکت‌های درگیر بحران باشد.

به شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود که با افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی اعتماد تأمین‌کنندگان را افزایش دهند و با کاهش هزینه سرمایه بتوانند دسترسی آسان‌تری به تأمین مالی در بازارهای اعتباری داشته باشند. نقش نظارتی قابلیت مقایسه سبب می‌شود که در صورت ارائه اطلاعات شرکت‌ها با مقایسه‌پذیری بیشتر، هزینه نظارت بر آنها کمتر شود و زمان ارزیابی این شرکت‌ها توسط مؤسسات تأمین مالی کاهش پیدا کند. مدیران با ارائه اطلاعات قابل مقایسه و با کیفیت می‌توانند سیگنال‌هایی به ذی‌نفعان مختلف از جمله تأمین‌کنندگان در مورد وضعیت مالی و چشم‌انداز آینده شرکت بدهند تا تأمین‌کنندگان با تکیه بر این اطلاعات، تصمیم‌های آگاهانه‌تری در مورد شرکت اتخاذ کنند. مدیران شرکت‌ها با توجه به نتایج این پژوهش، به میزان اهمیت اعتبار تجاری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تصمیم‌های تأمین مالی پی می‌برند و با افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری می‌توانند سبب افزایش اعتماد اعتباردهندگان شوند و اعتبار تجاری شرکت را افزایش دهند. به شرکت‌هایی که دچار درماندگی مالی شده‌اند، پیشنهاد می‌شود با ارائه صورت‌های مالی مقایسه‌پذیر و شفاف منابع مالی لازم را جذب و از توقف در فعالیت‌های خود جلوگیری کنند؛ زیرا قابلیت مقایسه صورت‌های مالی می‌تواند فرآیند تأمین مالی را برای شرکت‌های درمانده مالی آسان‌تر کند.

به تدوین‌کنندگان مقررات و استانداردهای حسابداری همچون سازمان بورس اوراق بهادار و سازمان حسابرسی در راستای تأثیر مثبت قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر اعتبار تجاری پیشنهاد می شود در سیاست‌گذاری‌های خود به ارتقاء سطح قابلیت مقایسه در صورت‌های مالی که یکی از عوامل مهم در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی است اهتمام جدی داشته باشند. همچنین، پیشنهاد می‌شود شرکت‌ها را از لحاظ قابلیت مقایسه صورت‌های مالی رتبه‌بندی و گزارش آن را در دوره‌های منظم در اختیار استفاده‌کنندگان قرار دهد تا شرکت‌ها نیز بیشتر در راستای افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی خود تلاش کنند.

این پژوهش پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی دارد. با عنایت به اینکه در این پژوهش برای دسته‌بندی شرکت‌های کوچک از معیار فروش و برای تفکیک شرکت‌های درمانده مالی از غیر درمانده مالی از معیار Z آلتمن استفاده شده است، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آینده از شاخص‌های دیگری برای شناسایی شرکت‌های کوچک و شرکت‌های درمانده مالی استفاده شود. از سوی دیگر، با توجه به اینکه مدیران تواناتر صورت‌های مالی قابل‌مقایسه‌تری را ارائه می‌دهند، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی رابطهٔ بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و اعتبار تجاری با توجه به توانایی مدیران بررسی شود. همچنین، پژوهش‌های مرتبط با موضوع مقایسه‌پذیری بر دیدگاه سرمایه‌گذاران تمرکز دارد. برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود موارد مرتبط با قابلیت مقایسه برای سایر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی نیز بررسی شوند و به چگونگی تأثیر عوامل رفتاری مانند نگرش سرمایه‌گذاران وام‌دهندگان به ویژگی مقایسه‌پذیری بر رابطهٔ بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و اعتباری تجاری پرداخته شود. درنهایت اینکه، تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر اعتبار تجاری ممکن است در شرایط اقتصادی مختلف مانند رکود و رونق، متفاوت باشد. در شرایط رونق اقتصادی، سرمایه‌گذاران ممکن است تمایل بیشتری به اتکا به صورت‌های مالی قابل مقایسه برای ارزیابی ریسک سرمایه‌گذاری خود داشته باشند؛ درنتیجه، پیشنهاد می‌شود تأثیر شرایط خاص مانند رکود و رونق اقتصادی بر ارتباط بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و اعتباری تجاری تبیین شود.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

محدودیت‌های پژوهش

محدودیت‌های این پژوهش به شرح زیر است:

۱. در این پژوهش برای اندازه‌گیری متغیر قابلیت مقایسه از معیار دی‌فرانکو همکاران (۲۰۱۱) استفاده شده است. اگر از معیار دیگری استفاده شود، ممکن است نتایج متفاوتی حاصل شود.

۲. در پژوهش حاضر تنها صنایع با حداقل پنج شرکت فعال بررسی شده‌اند؛ بنابراین، نتایج برای صنایع کمتر یا بیشتر از پنج شرکت ممکن است متفاوت باشد.

۳. به دلیل عدم تعدیل اقلام صورت‌های مالی نسبت به تورم، وجود شرایط تورمی ممکن است سبب تفاوت در نتایج این پژوهش شود.

منابع

اعتمادی، حسین؛ و مهران سلوری. (۱۳۹۱). بررسی تأثیرات هموارسازی سود بر جریانات نقدی و سود دوره آتی؛ با توجه به دو متغیر نوع صنعت و اندازه شرکت. **دانش حسابداری مالی** ۲(۵): ۴۵-۲۹.

افلاطونی، عباس؛ و مرضیه نعمتی. (۱۳۹۷). نقش کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت افشاء در افزایش اعتبار تجاری: رویکرد متغیرهای ابزاری. **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی** ۲۵(۱): ۲۰-۱.

الطایی، رضا؛ سید عباس هاشمی و داریوش فروغی. (۱۴۰۱). تأثیر اعتبار تجاری بر چسبندگی هزینه‌ها با در نظر گرفتن نقش قدرت بازار محصول و تمرکز مشتری. **فصلنامه حسابداری مالی** ۱۴(۵۳): ۵۸-۴۴.

ایزدی‌نیا، ناصر؛ و مسعود طاهری. (۱۳۹۵). بررسی رابطهٔ بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری. **پژوهش‌های تجربی حسابداری** ۶(۱): ۱۰۲-۸۱.

بادآور نهندی، یونس؛ وحید تقی‌زاده خانقاه. (۱۳۹۳). ارتباط بین برخی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و کارآیی سرمایه‌گذاری در مراحل چرخهٔ عمر. **دانش حسابداری** ۵(۱۸): ۱۴۰-۱۱۳.

بولو، قاسم؛ حسین پارسیان و رضا نعمتی. (۱۳۹۱). تأثیر جریان نقدی آزاد بر سیاست‌های تقسیم سود طی چرخه عمر شرکت‌ها. **پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی** ۱(۱): ۷۴-۵۱.

دقیقی ماسوله، مهرداد؛ مسعود فولادی؛ مریم فرهادی و مهنام ملایی. (۱۴۰۲). بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر ارزش نهایی نگهداشت وجوه نقد و ارزش نهایی مخارج سرمایه‌ای: رویکرد متغیرهای ابزاری. **پژوهش‌های حسابداری مالی** ۱۵(۱): ۱۶۲-۱۳۵.

زلقی، حسن؛ عباس افلاطونی و مهدی خزائی. (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی. **فصلنامه حسابداری مالی** ۹(۳۵): ۲۵-۱.

فروغی، داریوش؛ و پیمان قاسم‌زاد. (۱۳۹۴). تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر ضریب واکنش سودهای آتی. **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی** ۲۲(۴): ۵۰۰-۴۷۹.

کرمی، سحر؛ و محمد مرادی. (۱۳۹۸). تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین تأمین مالی از طریق اعتبار تجاری و ریسک سقوط قیمت سهام. **مجله دانش حسابداری مالی** ۶(۴): ۹۸-۷۷.

مران‌جوری، مهدی؛ ابراهیم عنایت‌پور شیاده و جواد درخشان. (۱۴۰۱). تأثیر عملکرد مالی بر استفاده شرکت‌های کوچک و متوسط از اعتبار تجاری. **تحقیقات حسابداری و حسابرسی** ۱۴(۵۴): ۵۰-۳۹.

ملکیان، اسفندیار؛ حسن فخاری و میثم نوروزپور. (۱۴۰۱). بررسی درماندگی مالی و محدودیت مالی بر اعتبار تجاری. **مطالعات اقتصاد، مدیریت مالی و حسابداری** ۸(۱): ۱۴-۱.

نیک‌کار، جواد؛ و اسلام محمدی. (۱۳۹۸). تأثیر استراتژی شرکت، هزینه‌های سیاسی و قدرت مدیریت بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی. **پژوهش‌های حسابداری مالی** ۱۱(۴): ۱۱۰-۸۷.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

Barth, M.E., W.R. Landsman & M.H. Lang. (2008). International accounting standards and accounting quality. **Journal of accounting research** 46(3): 467-498

Bharath, S.T., J. Sunder & S.V. Sunder. (2008). Accounting quality and debt contracting. **The Accounting Review** 83(1): 1-28.

Campbell, J.L., & P.E. Yeung. (2017). Earnings comparability, accounting similarities, and stock returns: Evidence from peer firms' earnings restatements. **Journal of Accounting, Auditing & Finance** 32(4): 480-509.

Chen, B., A.C. Kurt & I.G. Wang. (2020). Accounting comparability and the value relevance of earnings and book value. **Journal of Corporate Accounting & Finance** 31(4): 82-98.

Choi, J.H., S. Choi, L. Myers & D. Ziebart. (2014). Financial statement comparability and the ability of current stock returns to reflect the information in future earnings. **Available at SSRN**: http://papers.ssrn.com/abstract _id= 2337571

Danielson, M.G., & J.A. Scott. (2004). Bank loan availability and trade credit demand. **Financial Review** 39(4): 579-600.

De Franco, G., S.P. Kothari & R.S. Verdi. (2011). The benefits of financial statement comparability. **Journal of Accounting research** 49(4): 895-931.

Evans, J.D. (1998). Are lending relationships valuable to equity holders in chapter 11 bankruptcy. **Unpublished manuscript** Georgia State University.

Fang, X., Y. Li, B. Xin & W. Zhang. (2016). Financial statement comparability and debt contracting: Evidence from the syndicated loan market. **Accounting Horizons** 30(2): 277-303.

Ferrando, A., & K. Mulier. (2013). Do firms use the trade credit channel to manage growth? **Journal of Banking & Finance** 37(8): 3035-3046.

Frankel, R., & X. Li. (2004). Characteristics of a firm's information environment and the information asymmetry between insiders and outsiders. **Journal of accounting and economics** 37(2): 229-259.

Habib, A., M.M. Hasan & A. Al-Hadi. (2017). Financial statement comparability and corporate cash holdings. **Journal of Contemporary Accounting & Economics** 13(3): 304-321.

Imhof, M.J., S.E. Seavey & D.B. Smith. (2017). Comparability and cost of equity capital. **Accounting Horizons** 31(2): 125-138.

Islam, M.N. (2018). Three Essays on Financial Statement Comparability. **[Doctoral dissertation, The Florida International University].**

Kim, J.B., L. Li, L.Y. Lu & Y. Yu. (2021). Financial statement comparability and managers' use of corporate resources. **Accounting & Finance** 61: 1697-1742.

Kim, S., P. Kraft & S.G. Ryan. (2013). Financial statement comparability and credit risk. **Review of Accounting Studies** 18(3): 783-823.

Martinez-Sola, C., P.J. Garcia-Teruel & P. Martinez-Solana. (2014). Trade credit and SME profitability. **Small Business Economics** 42(3): 561-577.

Molina, C.A., & L.A. Preve. (2012). An empirical analysis of the effect of financial distress on trade credit. **Financial Management** 41(1): 187-205.

Opler, T.C., & S. Titman. (1994). Financial distress and corporate performance. **The Journal of finance** 49(3): 1015-1040.

Petersen, M.A., & R.G. Rajan. (1994): The benefits of lending relationships: Evidence from small business data. **The Journal of Finance** 49(1): 3-37.

Petersen, M.A., & R.G. Rajan. (1997). Trade credit: Theories and evidence. **The review of financial studies** 10(3): 661-691.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]